

فرزانه عظیمی

تغییر برای برابری: آرزو یا واقعیت؟

به مناسبت صدمین سالگرد ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان



اتریش این بود که کار خانگی، سرپرستی و مواظبت از فرزندان و افراد سالمند خانواده، از وظیفه خاص زنان خارج شده و بعنوان مسئولیت زن و مرد هر دو، در چهارچوب خانواده در نظر گرفته شود. زنان سوسیال دمکرات با شعار "نیمه، نیمه" بر این واقعیت انگشت گذاشتند که مردان نیز همچون زنان باید موظف به انجام کارهای خانه و پرستاری از فرزندان و سالمندان خانواده شوند و در صورت عدم انجام آن، این امر دلیلی برای درخواست طلاق از طرف زن نیز محسوب گردد. این درخواست در کنار خواست‌های دیگر، از جمله گسترش امکانات گوناگون برای حمایت از مادران شاغل، موضوع مبارزه بسیاری از فعالین زن و بخصوص زنان سوسیال دمکرات بود. استدلال آنان نیز این بود که زنی که تمام وظایف سرپرستی از کودکان و خانه‌داری را به تنهایی انجام دهد، هرگز قادر نخواهد بود در خارج از خانه شغلی را بعهده گرفته و از این طریق نه تنها امنیت اقتصادی وی در طول زندگی و دوران پیری، از جمله در اثر طلاق از همسر، می‌تواند به خطر افتد، بلکه اصولاً امکان دخالت در امور اجتماعی و رشد شخصیتی خود را تا حد زیادی از دست خواهد داد. مخالفین این پیشنهاد نیز معتقد بودند که تقسیم کار در خانه امری خصوصی است و در حیطه دخالت دولت نمی‌گنجد و قانون باید خود را از حوزه خصوصی به دور نگهدارد. در نهایت، مباحث زیاد، بسیاری را قانع کرد که این امر نیز مانند خشونت در خانواده امری خصوصی محسوب نمی‌گردد و تنها دخالت قانون می‌تواند ضامنی برای اجرای برابری حقوق در حیطه خانواده باشد.

گرچه خانم "هلگا کنراد" وزیر زنان از حزب سوسیال دمکرات اتریش بخاطر طرح این موضوع و مخالفت‌های شدید اولیه در حزب خود و بخصوص احزاب دیگر مجبور به استعفا شد، اما اولاً طرح این موضوع به بحث عمومی و روشنگری در باره حقوق زنان دامن زد و ثانیاً، بالاخره بعد از مدت‌ها بحث، پیشنهاد وی با تعدیل در قانون خانواده به نحوی گنجانده شد که در نتیجه < صفحه ۱۹



رسیدن به برابری امری نسبی و ادامه دار است. یک قرن برای درهم شکستن فرهنگ مردسالارانه که قدمتی به وسعت قرن‌ها دارد، کافی نیست! امروزه علیرغم رسیدن زنان به بخشی از حقوق خویش، ما شاهدیم که آنان در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا نیز، هنوز به برابری کامل حقوق و موقعیت‌های اجتماعی دست نیافته‌اند. زنان هنوز هم از عدم برابری حتی دستمزد رنج می‌برند. سهم زنان در پست‌های مهم اقتصادی و دولتی بسیار ضعیف است. هنوز ما در بسیاری از این کشورها شاهد وجود "خانه‌های امن" برای زنانی هستیم که با خشونت همسرانشان روبرو هستند. بسیاری زنان باید بیشتر وقت خود را صرف کار خانه و بچه‌داری کنند، بدون اینکه قادر باشند تمام وقت یا نیمه وقت به دنبال شغلی برای دستیابی به استقلال و امنیت اقتصادی خویش، بخصوص در سال‌های کهنوت، بگردند؛ و بسیاری زنان که موفق می‌شوند علیرغم برعهده داشتن وظایف خطیر مادری و همسری، شغلی نیمه وقت یا تمام وقت را نیز به عهده بگیرند، باید به قیمت فشار بیش از حد به خویش و به خطر انداختن سلامت روحی و جسمی خود، همه این مسئولیت‌ها را همزمان پیش ببرند.

اما با این همه، وجود دمکراسی در بعضی از کشورها، دستیابی به بسیاری از حقوق را برای زنان این کشورها امکان‌پذیر ساخته است. حقوقی مثل حق طلاق، حق سرپرستی از فرزندان به هنگام فوت یکی از والدین یا طلاق، حق برابر در ارث، حق دیه برابر و... که امروزه از جمله در کشور ما زنان هنوز برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. اما رسیدن به این حقوق در این کشورها نیز تنها حاصل سال‌ها فعالیت زنان برای برابری بوده است. تلاشی که نتیجه آن تغییر قوانین به نفع زنان بوده است. تغییر قوانینی که البته به دنبال مباحث طولانی بین احزاب مختلف موافق و مخالف آنها صورت گرفته است. اما همین مباحث و طرح مسئله در سطح افکار عمومی، به بالا بردن سطح آگاهی مردم اعم از زن و مرد و موشکافی مشکل زنان به عنوان یک مشکل اجتماعی دامن زده است. مشکلی که در صورت عدم حل آن، تمام جامعه متضرر خواهد شد. مشکلی که حل آن امکان پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را در جامعه بطور گسترده‌تری میسر خواهد ساخت. بطور مثال یکی از این خواست‌ها در کشور

امروز زنان سر اسر جهان سالگرد ۸ مارس را درحالی جشن می‌گیرند که یک قرن مبارزه و تلاش را پشت سر گذاشته‌اند؛ مبارزه برای هدفی که در آغاز دست نیافتنی می‌نمود. اما دهه‌ها مبارزه و کوشش زنانی که در سراسر جهان هر یک در بارور کردن درخت تنومند آزادی و برابری نقش داشتند، امروز به تحقق بخش مهمی از خواست‌های آنان انجامیده و خود نشان از به تحقق پیوستن حداقل بخشی از این آرزوست. آرزویی که در هر گوشه از جهان، به تبع جایگاه زنان در جامعه و میزان پیشرفت دمکراسی، با شدت یا ضعف به واقعیت پیوسته است.

در کشور ما نیز گرچه فرهنگ مردسالار قرن‌ها حاکم بوده، اما در طول حاکمیت جمهوری اسلامی و با اجرای قوانین اسلامی، تبعیض علیه زنان هرچه بیشتر گسترش یافته است. حقوقی که زنان در اثر سال‌ها مبارزه به دست آورده بودند، با پیروزی انقلاب و با حکم آیت‌الله خمینی در لغو قانون خانواده، یک روزه از آنان پس گرفته شد و پس از آن، زنان برای رسیدن به تک تک حقوق جزئی که در بسیاری از کشورها سال‌هاست که جاری است، دوباره مبارزه را از سر گرفتند. در این تلاش آنها پیروزی‌های کوچکی را نیز در تغییر قوانین خانواده نصیب خود ساختند، اما هنوز تا رسیدن به مقصد نهائی راه درازی در پیش است.

"کمپین یک میلیون امضا" که با همیاری و کوشش بسیاری از فعالین زنان در ایران با شعار "تغییر برای برابری" آغاز شد و پشتیبانی بسیاری از فعالین و روشنفکران در خارج از کشور را نیز برانگیخت، با کوشش پیگیر برای آگاه‌سازی زنان و مردان از یک سو و تغییر قانون برای دستیابی به حقوق برابر برای زنان از سوی دیگر، نقطه عطفی در این مبارزات بود. فعالین این کمپین با ابتکار تماس "چهره به چهره"، موضوع حقوق زنان را به میان مردم از هر قشر و طبقه، در هر کوی و برزن و در شهرها و روستاهای مختلف کشور برده و تلاش نمودند آنان را با خواست‌های خود و اهمیت آنها در زندگی مردم آشنا نمایند. این کمپین امروز به یکی از سنگرهای اصلی فعالیت زنان بدل گشته است. شدت مقابله حکومت با فعالان "کمپین یک میلیون امضا" برای برخی این سوال را پیش آورده است که آیا "تغییر برای برابری" آرزویی بیش نیست؟